

کابل



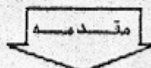
# پسوی شورس کورنیلف

۵ ربال

ازگان تئوریک - سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست

شماره ۳

## شیوه برخورد لنین به دولت کرنسکی پس از شورش کورنیلف



اوت است که اینرا می نویسم وگیرندگان آن قبل از دوم سبتا مبر موفق به خواندنش نمی شوند. مع الوصف، وظیفه خود می دانم که مسائل زیر را بنویسم:

شورش کورنیلف یک چرخش بسا رغیرقابل انتظار، و بطرز باورنکردنی تند در اوضاع است (غیرقابل انتظار، از آنرو که در چنین لحظه ای و در چنین شکلی رخ می دهد).

این چرخش، مانند هر چرخش تند، تجدید نظر و تغییر در تاکتیک ها را طلب می کند. و چون همیشه، در تجدید نظر کردن باید فوق العاده مواظب باشیم که از پرنسیپ ها عدول نکنیم.

عقیده من بر این است که آن افرادی دچار بی پرنسیپی می شوند که (مانند ولاد اسکسی) به سیاست دفاع طلبی و یا (مانند دیگر بلشویک ها) به سیاست تشکیل پلوک با اس - آرها و حمایت از دولت موقت سقوط می کنند. برخورد آنان مطلقا اشتباه و از روی بی پرنسیپی است. متنها

پس از انتقال قدرت به پرولتاریا، پس از پیش نهاد صلح، پس از ازمیان رفتن قرار دادها و وابستگی های مخفی با پانک ها - تنها پس از اینها - است که دفاع طلب خواهیم شد. نه تسخیر بیگانه و نه تسخیر پطروگراد، هیچیک ما را دفاع طلب نخواهد کرد. (خیلی دلم می خواهد و لو دارکی این را بخواند). تا آن زمان ما خواهان انقلاب پرولتری خواهیم بود، ما علیه جنگ بوده و دفاع طلب نیستیم.

حتی الآن هم نباید از دولت کرنسکی حمایت کنیم. این بی پرنسیپی است. ممکن است از ما سوال شود: آیا ما علیه کورنیلف نخواهیم جنگید؟ البته که باید چنین کنیم! اما این دویک چیز نیست! یک خط فاصل در اینجا وجود دارد که برخی بلشویک ها، آنان که به موضع سازش افتاده اند و بخود اجازه می دهند که سیر وقایع آنان را بیا خود ببرد، از سر آن می برند.

ما خواهیم جنگید، ما با کورنیلف در حال جنگیم، درست همانطور که سز بازان کرنسکی هستند، لیکن ساز از کرنسکی حمایت نخواهیم کرد. بالعکس

اکنون، در یکی از تندبادهای تاریخ معاصر، که نیروهای سیاسی با وضوح تمام ما هیت طبقاتی خود را بنمایش می گذارند، در شرایطی که ماسکها از چهره زده می شود و ابورتونیم بی هیچ درنگی به سوسیال شوینسم بدل می گردد، جنبش کمونیستی حقیقتا انقلابی ایران و طبقه دارد با انکاء به برنامه انقلابی پرولتاریا، بی آنکه لحظه ای از وظیفه تاریخی پرولتاریا - کسب قدرت میلی - چشم ببوید یا مراجعه به گنجینه عظیم جنبش جهانی کمونیستی و درسی آن آموزهای لنین میانی تاکتیک انقلابی را بسا موزد.

متذ لنین در برخورد با شورش کورنیلف بعنوان تلاش مداوم انقلاب مغلوب روسیه پس از انقلاب فوریه که بمنظور اعاده قدرت سیاسی ارتجاعی ترین محافل بورژوازی، ملاکین و پاندهای سیاه صورت می پذیرد، و در همان حال مرز بندی قاطع و انقلابی با دارو دسته کرنسکی، گوچکف، لووف - بورژوازی حاکم - و اینها چیدزده و سره نلی، تیلور جوهر تاکتیک لنینی است: اعتدال به پرولتاریا، عدم اعتماد به بورژوازی، تکیه عملیات انقلابی - عمل و نه جمله پردازی - تکیه مداوم بر منافع اساسی پرولتاریا - تکیه بر خصایص اصلی کل رژیم سرمایه داری با محاسبه شرایط مشخص، بنهاد این تاکتیک مشخص لنین میارست از تمایز بین اشکال متفاوت و در همین حال انقلابی نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی. تمایز بین تمام علیه کل بورژوازی و جنگ انقلابی علیه اردوگاهی از آن. از نظر لنین شرکت در جنگ علیه کورنیلف (کاری که بطور همزمان ارتش کرنسکی به انجام آن مشغول است) با مبارزه علیه کرنسکی آلترناتیو یکدیگر نیستند. آنچه که می باید انجام پذیرد آنستکه شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ تامین شود و جنگ به جنگی انقلابی بدل گردد: شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ علیه کورنیلف، طرح مطالبات حداقل، افشای بی امان و بیگیر فدا انقلاب حاکم، کشیدن توده ها به عرصه مبارزه و برانگیختن و تهییج آنان. چیزی جز تضعیف بورژوازی و نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی نیست.

جنبش کمونیستی ایران وظیفه دارد در برخورد با اشکال گوناگون تلاشهای فدا انقلاب بورژوا - امپریالیستی که به منظور یورش نهایی به کارگران و زمینکنان انقلابی ایران صورت می - گیرد، بجای تکرار مداوم نظرات لنین - که بی شک گرانقدرند - و بجای قریبه سازبهای بی ربط تاریخی، به فراگیری اسلوب و مراعات لنینی بپردازد و به طرح و اتخاذ تاکتیک های انقلابی دست زند.

اتحاد مبارزان کمونیست

۵۹/۷/۱۲

به کمیته مرکزی ح. ک. م. س. د. ر. (حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه)

شاید این بطور دیربدمت شما برسد، چرا که وقایع آنچنان سریع رخ می دهد که گاهی انسان را به سرگیجه می اندازد. روز چهارشنبه ۳۰

ضعف او را افشا خواهیم نمود. تفاوت اینجا است. این تفاوتی نسبتاً ظریف، منتهی بسیار اساسی است و نباید فراموش شود.

بدین ترتیب تغییر تاکتیک هایمان پس از نورش کورنیلف عبارت از چیست؟

مشکل مبارزه خود علیه کرنسکی را تغییر می دهیم، مابقی آنکه حتی یک ذره دشمنی خود را نسبت به او تخفیف دهیم، بی آنکه (حتی) یکی از حرفه های راکه علیه او زده ایم پس بگیریم، بی آنکه از وظیفه سرنگونی او عدول کنیم، می گوئیم که می باید شرایط جدید را حساب آورد. کرنسکی را در حال حاضر سرنگون نخواهیم کرد. وظیفه مبارزه علیه وی را بگونه ای دیگر عملی می کنیم، یعنی به مردم (کسانی که علیه کورنیلف می جنگند) ضعف ها و تزلزل های کرنسکی را نشان خواهیم داد. این درگذشته هم انجام شده است.

اما حالا، این مساله اهمیت حیاتی یافته است و این همان تغییر در تاکتیک است. به علاوه، تغییر [در تاکتیک - م.] در این نهفته است که اکنون تندبیدپیکار ما برای ارائه نوعی "مطالبات غیر بیطرفانه" به کرنسکی برای ما اهمیت حیاتی یافته است؛ میلیوکف را دستگیر کنید، کارگران را مسلح کنید، سربازان کرنشتاد، ویبورگ و هلسینک فورس را به بطر و کرا دفران کنید، دوما را منحل کنید، رودزیا نکورا دستگیر نمایید، انتقال املاک اربابی به دهقانان را قانونی کنید، کنترل کارگران بر غله و کارخانه ها را معمول داریه و غیره و غیره. ما باید این مطالبات را به تنهایی کرنسکی و نه آندرها به کرنسکی که به کارگران، سربازان و دهقانانی که سیر مبارزه علیه کورنیلف آنان را در خود غرق کرده است، ارائه دهیم. باید استیاق آنان را زنده نگه داریم، تشویقشان کنیم که با زئرال ها و افسرانی که با کورنیلسف همدمت شده اند، حسابان را تسویه کنند، از آنان بخواهیم که بلافاصله انتقال زمین به دهقانان را خواستار شوند، به آنان بگوئیم که دستگیری رودزیا نکورا و میلیوکف، انحلال دوما، بستن دروز - نامه "رچ" و سایر روزنامه های بورژوازی و تحت بگرد فرادادن آنها امری ضروری است. بخصوص اس - آرهای "چی" را باید در این جهت سوق داد.

بسیار اشتباه است که تصور کنیم از وظیفه کسب قدرت بوسیله پرولتاریا دورتر گشته ایم. خیر. سبب آن نزدیک شده ایم، نه مستقیماً، بلکه از پهلو. در حال حاضر ما نباید آنقدرها مستقیم علیه کرنسکی مبارزه کنیم که غیر مستقیم باید چنین کنیم، یعنی از طریق مطالبه جنگی حقیقتسای انقلابی و هرچه فعالتر علیه کورنیلف، تنها

شیوه این جنگ، قادر است ما را به قدرت برساند، اما باید حتی المقدور بسیار کم از این مطلب در ترویج مان صحبت کنیم (با یادداشتن این مساله که چه بسا وقایع حتی فردا قدرت را در دست ما بگذارند و آنگاه آنرا از دست نخواهیم داد). اینطور بنظر می رسد که این مطلب می باید از طریق نامه (نه روزنامه ها) با اطلاع گروه های مروج و مبلغ و اعضای حزب، بطور کلی، برسد. ما باید بی امان علیه عباراتی چون دفاع از کشور، همیشه متحد دموکرات های انقلابی، حمایت از دولت موقت، و غیره و ذالک مبارزه کنیم، چرا که اینها تنها عباراتی توخالی اند. ما باید بگوئیم: الان زمان عمل است؛ شما آقایان اس - آر و منشویک مدتهاست که این عبارات را امتیذل کرده اید. الان زمان عمل است؛ جنگ علیه کورنیلف باید به شیوه ای انقلابی رهبری شود، از طریق به عرصه کشاندن توده ها، از طریق بیدار کردن آنان و برافروختنشان (کرنسکی از توده ها می ترسد، از مردم می ترسد). در جنگ علیه آلمان ها هم اکنون باید عمل کرد؛ سلاح فوری و بی قید و شرط، بر اساس موازین روشن می باید برقرار شود. اگر این امر عملی گردد، یک ملح سریع می توان بدست آورد و جنگ می تواند به یک جنگ انقلابی بدل شود؛ در غیر این صورت کلبه منشویک ها و انقلابیون سوسیالیست (اس - آرها) نوکران امپریالیسم باقی خواهند ماند.

بعدالتحریر: پس از خواندن ۶ شماره از "رابو - چی" \*، بعد از نوشتن این مطلب، می باید بگوئیم که نقطه نظر اتمان منطبق است. من از ته قلب سرمقاله ها، نقد مطبوعات و مقالات در - خشان را به - م و - ول - ای تهنیت می گوئیم. اما درباره سخنرانی ولودارسکی، نامه او به هیئت تحریریه را خواندم، نامه ای که به همان صورت انتقادهای مرا "درز می گیرد". یک بار دیگر سلام گرم و تبریکات صمیمانه مرا بپذیرید.

لنین

کلیات آشناسار نوشته شده در ۳ اوت (انگلیسی) جلد (۱۲ سپتامبر) ۱۹۱۷؛ ۲۵ صفحات ۲۹۳-۲۸۹ برای اولین بار در برلین شماره ۲، ۲۵ نوامبر ۱۹۲۰ منتشر شد.

\* رابوچی (کارگر) - ارگان مرکزی حزب بلشویک که بصورت یومیه از ۲۵ اوت (۷ سپتامبر) تا ۲ سپتامبر (۱۵) ۱۹۱۷ بجای پروادا که توسط دولت موقت توقیف شده بود، منتشر می شد. با احتساب ضمیمه ها، در کل ۱۲ شماره آن بحساب رسید.